



فرمانده کل سپاه :
محکم در مقابل
دشمنان ایستاده‌ایم



آیا مقصود حکمرانی زنان کسب مناصب سیاسی است؟

جایزه فیلم قرآنی جشنواره فجر به بازیگر «بچه مردم» رسید

سپهرغرب، گروه اندیشه: جایزه هیات داوران فیلم‌های قرآنی چهل و سومین جشنواره فیلم فجر به بازیگر اصلی فیلم «**بچه مردم**» رسید. هیات داوران معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هفتمین سال متوالی، برای انتخاب آثار برگزفته از مفاهیم و مضامین قرآن و عترت، با رصد دقیق آثار چهل و سومین جشنواره فیلم فجر ضمن تشکر و قدردانی از تلاش‌های بی‌وقفه سینماگرانی که کلام الهی را به تصویر قرآنی کشیدند، رای خود را به مهید جهان‌نوش بازیگر اصلی فیلم خوش ساخت بچه مردم تقدیم می‌کند. نقش آفرینی ماهارنه، صادقانه و کم‌نظیر وی، کاراکتر (شخصیت) تیمی را جان می‌بخشد که باوجود محرومیت شدید از مهر مادرانه، امید به رحمت الهی را سرلوحه خویش قرار داده؛ به جای سقوط در دره تاریک ناامیدی و خودکشی، به سکوی رفیع و نوزایی شهادت صعود می‌کند تا به تمام یتیمان جهان ثابت کند که امید، کلید ایستادگی در برابر همه ناگامی‌ها و وسخ‌های زندگی است. هیات داوران افزودند؛ چقدر بجاست تقدیر از سرکار خانم گوهر خیراندیش به خاطر بازی اسطوره‌گونه ایشان در نقش زنی مهربان و یتیم‌نواز که در واقع زیباترین تفسیر تصویری یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن کریم است؛ آنجا که می‌فرماید: «فَأَنقِصُوا لَهَا قُوَّةَهُ؛ و هرگز یتیم را از خود مران. (الضحیٰ ۹)

آیا مقصود حکمرانی زنان، کسب مناصب سیاسی است؟

پس نهایتاً با وضع موجود، خانم‌های کمی می‌توانند جمع‌نقش‌کنند؛ یا باید همسر ثروتمند داشته باشند یا حمایت ویژه و نهایتاً ما بدنه اصلی و تنوع و چند صدایی را از دست می‌دهیم.

بله و این خودش تولید ناکارآمدی می‌کند. برای خانمی که نمی‌گوید بالکی از مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند؛ یک خانم معمولی متوسط جامعه ما که این امکانات پیشینی را ندارد؛ تصور می‌کند فقط این الگو و فقط این آدم‌هایی که معرفی شدند؛ آدم‌های موفق در حوزه زنان هستند و وقتی به آن نمی‌رسد فکر

سپس این دریافت‌ها را به جریان‌ها و گفتمان‌های سیاسی و دانشی منتقل کنیم تا روایت‌های مشترک این حوزه شکل گیرد.



قطعاً موضوع مشارکت زنان در امور مدیریتی اهمیت بسیاری خواهد داشت، اما این مسأله در قالب یک گزاره در ذیل اصل کلی‌تر و روح حاکم بر تعامل میان زنان و حاکمیت قرار می‌گیرد. این تعامل باید به‌گونه‌ای شکل بگیرد که هم ندغده‌های نظام اسلامی به رسمیت شناخته شود و هم مسائل زنان اهمیت و اصالت پیدا کند. در این راستا، مسأله مشارکت زنان در امور مدیریتی به‌عنوان یک جز از کل این تعامل، حل خواهد شد. البته باید توجه داشت که سایر مسائل زنان در جامعه نیز از اهمیت بالایی برخوردارند و نقش کاتالیزوری در شکل‌گیری تعامل مطلوب خواهند داشت.

می‌کند از ناکارآمدی خودش است.

حتی من خانم‌هایی دیدم که تا مقطع دکتری خواندند ولی چون این همراهی و حمایت‌های اجتماعی نبوده، الان دچار سرخوردگی شدند و حتی شک می‌کنند که آیا مسیری که آمدند درست بوده؟ می‌گویند اصلاً کار درستي کردیم که این همه رحمت‌کشیدیم؟

این سرخوردگی ظرفیت‌ها را کم می‌کند. یعنی با کارهایی که خودمان داریم می‌کنیم. ظرفیت‌های موافق و منسجم خودمان را در بدنه عمومی از دست می‌دهیم. بخشی از ظرفیت‌هایمان را با تورم نخیه‌پروری دور کردیم. بخشی را با دامن زدن به جریان‌های سیاسی، الگوی سوم را هم اگر مراقبت نباشیم، بخشی دیگر از ظرفیت‌ها را از ما دور می‌کنند.

این اتفاق هم به این علت می‌افتد که بدنه عمومی نمی‌توانند خودشان را به موفقه‌های آن الگو برسانند چراکه در ساخت و ترتیبات نهادی از آنجا حمایت نمی‌شود اما مدام در مدل نظری و فرهنگی که به جامعه القا می‌کند و در لفاظی‌ها از آن‌ها نتیجه ی‌الگو را می‌خواهیم. در این فرایند غلط به خانم‌ها گفته می‌شود بیایید مشارکت کنید. تشویق می‌شوند که عرصه‌ها برای شما باز است، اما در مرزها (مثل خانواده و یا مرزهای اختلاط) با ایجاد محدودیت عمل می‌کنیم؛ یعنی در حوزه زنان چیزی که بیشتر می‌بینیم تعدیل غلو آمیز مرزها است. درست است که این مرزهای محدود شده و محدودیت‌ها هم بر اساس گزاره‌های اعتقادی ما هست و نمی‌خواهیم از آن عبور کنیم، اما باید برای حفظ تعادل در مسیر حفظ نظام اسلامی، تسهیلگری بکناریم. یعنی حوزه زنان نباید فقط تبدیل به یکسری گزاره‌های سلیبی شود که مثلاً شما می‌توانید مشارکت اجتماعی بکنید ولی حجاب؛ اختلاط، نقش مادری و این موارد فقط به محدودیت‌های زن زنان تبدیل می‌شود. اگر تسهیل کردن در این تحدید و محدودیت قرار بگیرد؛ این تسهیل‌گری حس محدود بودن را از زن می‌گیرد.

حتی به نظرم ما در مبانی اسلامی دچار مشکل نیستیم. ما به حجاب و ارزش مادری معتقد هستیم؛ ولی وقتی حمایت نباشد، به خاطر فعالیت اجتماعی زنان، خانواده واقعاً دچار مشکل می‌شود. از طرف دیگر همه خانم‌ها این گزاره را بارها شنیده‌اند که اگر به خاطر مشارکت اجتماعی، خانواده در حاشیه قرار بگیرد، خانواده اولویت دارد. یعنی خانم‌ها با گزاره‌های ضد و نقیضی مواجه می‌شوند که در بیشتر موارد فرمان ایست به آنها می‌دهد.

حتی اگر اولویت ما خانواده باشد ولی الگوهای پویای خانواده را به رسمیت بشناسیم، مشکلی ایجاد نمی‌شود. در الگوی پویای خانواده؛ خود خانم‌ها، زن را به مشارکت اجتماعی ترغیب می‌کند و از او حمایت می‌کند و باعث می‌شود زن بتواند مشارکت اجتماعی داشته باشد که در این صورت مشارکت اجتماعی زن تبدیل به فرهنگ می‌شود. اگر این مسیر را پیش ببریم، قرار دادن زن در کنار خانواده مشکلی ایجاد نمی‌کند، ایستایی سیاسی هم ایجاد نمی‌کند.

حرکت کند. حتی در بسیاری از موارد، تنها نظارت بر فرآیند کافی است و کافی است که به خانواده اجازه داده شود تا مسیر درست خود را طی کند و تنها در صورتی که نیاز به راهنمایی یا حمایت باشد، مداخله کند.

الان خانم‌های ما حتی در فهم هویت خودشان؛ با یک پارادوکس مواجه می‌شوند، نظر شما چیست؟

بله، این پارادوکس در جایی نمایان می‌شود که ما در لفاظی‌های سیاسی و گفتمانی به سمت حکمرانی پیش می‌رویم؛ در تبیین عرصه‌های کنشگری زنان به سمت باز بودن این عرصه‌ها حرکت می‌کنیم. در عرصه سیاست‌گذاری چه اتفاقی می‌افتد؟ این پویایی طبیعی خانواده به رسمیت شناخته نمی‌شود و همچنان الگوی قدیمی با توزیع نقش‌ها مبتنی بر حقوق و تکالیف ثابت در دستور کار قرار دارد. حتی از منظر اعتقادی و گزاره‌های اسلامی، برای این پویایی مستندات بیشتری وجود دارد، اما الگوی سیاست‌گذاری همچنان به روش قدیمی پایبند است. در صورتی که اگر حمایتی از خانواده صورت گیرد، بیشتر به مداخله در تعیین نقش‌ها، تکالیف و حقوق ثابت زنان در عرصه اجتماعی و خصوصی می‌پردازد. در حالی که خانواده خود در حال حل مسائل خودش است.

این یعنی میدان از عالم نظری و اندیشه‌های جلوتر است. جامعه مسئله مشارکت اجتماعی زنان را پذیرفته اما ملزومات آن هنوز در ساختارهای اجتماعی و قوانین لحاظ نشده است.

بله، کاملاً موافقم. به نظر من، جامعه و خانواده از مسئله مشارکت اجتماعی و نقش آفرینی زنان عبور کرده‌اند و آن را به تعادل رسانده‌اند. مسئله اصلی مداخلات سیاستی است که اگر هنوز با مدل قبلی یعنی با الگوهای متصلب قدیمی و روز آمد نشده، خلل ایجاد می‌کند.

اما یکی از دلایل این عقب ماندگی در تعامل و سیاست‌گذاری، منتقل بودن حوزه دانش است. این حوزه به صورت پویا و تبیینی به تحولات خانواده نپرداخته و غالباً به تحلیل آسیب‌ها و تولید ادبیات در مورد تحولات منفی پرداخته است. به جای آنکه نگاهی تحلیلی و سازنده به تحولات و پویایی‌های جدید داشته باشد، بیشتر به مشکلات و چالش‌ها تمرکز دارد. همچنین، دستگاه فقهی نیز در برابر موضوعات جدید متغیله عمل کرده و نتواسته است به‌طور فعال و سازنده به این تحولات پاسخ دهد. بنابراین، نیاز است که هم حوزه دانش و هم دستگاه فقهی رویکردی فعال و پویاتر در پیش بگیرند، تا سیاست‌گذاری‌ها و مداخلات اجتماعی هماهنگ‌تر و به‌روزرنگ با نیازهای واقعی جامعه و خانواده باشند.

نیازی نیست که ما چرخ‌ها برداریم و دنبال شواهد این مسئله بگردیم یا الگوهای عملیاتی آن را در خانواده بررسی کنیم. همین که ما و شما اینجا هستیم، یعنی شایستگی جامعه و ما سربلندی از این مسئله عبور کرده‌اند و توانسته‌اند تعادل بین نقش مادری، همسری و عملی را برقرار کنند. البته این امر به سختی صورت گرفته است، به‌ویژه برای زنان که بدون تسهیل‌گری، تعادل بین این نقش‌ها را با حفظ مرزهای مشارکت نگی می‌دارند. بنابراین، گفتمان عمومی و بدنه اجتماعی از مسئله حضور زنان در حوزه‌های ماندن دانش و سیاست عبور کرده‌اند، اما مداخلات سیاستی هنوز از این مرزها عبور نمی‌کند.

نظام جمهوری اسلامی هرچقدر که در ترتیبات نهادی مدرن‌تر شود، همچنان منبع مشروعیت و مبانی کنشگری آن توحیدی، الهی و دینی است. این قسمت‌ها ثابت هستند و نمی‌توان از آن‌ها عبور کرد. اما اگر قسمت‌های اعتباری را به انتخاب خانواده و‌اکدار کنیم، یعنی جایی که با منابع مشروعیت من مغایر نیست، آن‌ها را شناسایی کرده و یک گفتمان شناسی کنیم، نیازی به بحث تئوریک جدید نداریم، زیرا بسیاری از این‌ها در رویکردی منطقی بر بازنگری و بازخوانی گزاره‌های زوجیت و حفظ نظام اسلامی وجود دارند. باید دال‌های مشترک و انسجام‌آفرینی که خانواده را به تعادل رسانده‌اند، پیدا کرده و برای آن یک فرآیند ترویج الگو و تسهیل‌گری ایجاد کنیم.

یعنی دولت و در کل حاکمیت باید الزامات مشارکت اجتماعی زنان یا به عبارتی هزینه‌های مالی حمایت از زنان را بپذیرد.

بعضی افراد تصور می‌کنند که این مسئله فاقد راه حل است و باید از بحث تئوریک شروع کرده و آن را تولید کنند. در حالی که به‌ویژه

در موضوع خانواده، معمولاً هم فهم دقیق مسئله و هم راه‌حل‌ها در بدنه جامعه وجود دارند. آنچه حاکمیت باید انجام دهد، این است که هنر دریافت این مسائل و راه‌حل‌ها را پیدا کند و سپس برای آنچه دریافت کرده، به سمت تسهیلگری و حمایت حرکت کند. حاکمیت باید کمی از رویکرد مستقیم و مداخله‌گر خود کوتاه بیاید و بیشتر به سمت حمایت، هدایت و نظارت

تحول، نقش‌های پدانه و مادرانه تعدیل شده و به هم نزدیک‌تر می‌شوند. نقشی که پدر ایفا می‌کرد، به سمت نقش غیر اقتصادی، مانند مشارکت در رشد، تربیت و مراقبت از فرزندانش حرکت کرده است. در عین حال، نقش خانوادگی زنان نیز انعطاف‌پذیرتر شده و به سمت کمک‌خرج بودن و مشارکت اقتصادی برای تأمین نیازهای خانواده پیش می‌رود. خانواده به این ترتیب خود را با تحولات اجتماعی هماهنگ کرده و قواعد اعتباری مانند انعطاف در توزیع نقش‌ها را به کار می‌برد.

اما در عرصه سیاست‌گذاری چه اتفاقی می‌افتد؟ این پویایی طبیعی خانواده به رسمیت شناخته نمی‌شود و همچنان الگوی قدیمی با توزیع نقش‌ها مبتنی بر حقوق و تکالیف ثابت در دستور کار قرار دارد. حتی از منظر اعتقادی و گزاره‌های اسلامی، برای این پویایی مستندات بیشتری وجود دارد، اما الگوی سیاست‌گذاری همچنان به روش قدیمی پایبند است. در صورتی که اگر حمایتی از خانواده صورت گیرد، بیشتر به مداخله در تعیین نقش‌ها، تکالیف و حقوق ثابت زنان در عرصه اجتماعی و خصوصی می‌پردازد. در حالی که خانواده خود در حال حل مسائل خودش است.

بنابراین باید تعداد خانم‌ها در ساخت حکمرانی بیشتر شود تا صدای زنانه شنیده شود؟

وقتی از ساخت حکمرانی صحبت می‌کنیم، منظورمان لزوماً مدیر زن نیست؛ بلکه هدف این است که زن به عنوان یک بخش فعال از جامعه، با نیازها و مطالبات خاص خود شناخته شود. این به معنای مشارکت زنان به‌عنوان اعضای جامعه در طرح مسائل است. نه صرفاً تولید مدیران زن. به نظر من، اگر مسئله زن را به درستی درک کنیم، به سوی پارادایم‌های حکمرانی مطلوب حرکت کرده‌ایم. بدین معنا که تغییر نوع مواجهه حاکمیت با زنان و مسائل مرتبط با آن، نشانه‌ای از رشد و بالندگی حاکمیت خواهد بود.

به نظر شما برای اینکه مسائل زنان به درستی فهم شود، اتفاقاً حضور و افزایش تعداد زنان در مناصب مدیریتی و سیاستگذاری مسئله ما نمی‌شود؟

قطعاً موضوع مشارکت زنان در امور مدیریتی اهمیت بسیاری خواهد داشت، اما این مسأله در قالب یک گزاره در ذیل اصل کلی‌تر و روح حاکم بر تعامل میان زنان و حاکمیت قرار می‌گیرد. این تعامل باید به‌گونه‌ای شکل بگیرد که هم ندغده‌های نظام اسلامی به رسمیت شناخته شود و هم مسائل زنان اهمیت و اصالت پیدا کند. در این راستا، مسأله مشارکت زنان در امور مدیریتی به‌عنوان یک جز از کل این تعامل، حل خواهد شد. البته باید توجه داشت که سایر مسائل زنان در جامعه نیز از اهمیت بالایی برخوردارند و نقش کاتالیزوری در شکل‌گیری تعامل مطلوب خواهند داشت.

با این حال، اصلاح تعامل نباید تنها به این مسأله محدود شود. در گام اول، سحاس‌سازی مدیران متخصص نسبت به مسائل زنان و اصلاح تعامل با تمام جنسیت‌ها امری ضروری و مفید خواهد بود. همچنین، باید به ظرفیت‌هایی که این تعامل را تحت تأثیر قرار می‌دهند و پیشران‌های آن توجه کرده و از آن‌ها بهره‌برداري کرد. به‌ویژه، خانواده و انعطاف‌پذیری آن در برابر تغییرات نقش‌ها و تعاملات اعضای خانواده با حکمرانی، به‌عنوان یک ظرفیت و پیشران مهم در این فرآیند شناخته خواهد شد.

اما یک نکته‌ای که ما در حکمرانی و سیاست‌گذاری داریم ایستادن بر سر الگوهای سرسخت‌خانه در مواضع به شدت منعطف و فرهنگی محور مانند خانواده است؛ الگوهای خیلی قدیمی و به روز نشده در مورد زن و خانواده داریم و مدام می‌خواهیم جامعه و خانواده را با این‌ها منطبق و هماهنگ کنیم. الگوی خانواده در کانتکس اسلامی، قواعد ثابتی دارد که نباید از هیچکدام آنها عقب‌نشست؛ اینک خانواده مشروع باید باشد، قانونی باشد، دگرچس خواه باشد، همراه با تولید نسل باید باشد، یکسری قواعد ثابت که ما را تولید نسل باید نمی‌کنیم. اما این الگوی خانواده یکسری قواعد اعتباری و منعطف و عرفی دارد که خانواده در طول تاریخ با تغییر و تحول این قواعد اعتباری، خودش را با تحولات اجتماعی وفق داده است. یکی از آن‌ها همین توزیع نقش‌های غیر زیستی و عرفی و مدل نقش‌آفرینی‌ها در جامعه و در خانواده است.

برای مثال، نوعی از نقش‌آفرینی اقتصادی زنان که امروزه رایج است، در گذشته وجود نداشته است؛ زیرا جامعه آن را نمی‌پذیرفته و مدل اجتماعی و اقتصادی خانواده برای نیازهای آن دوره پاسخگو بوده است. اما با تحولات اجتماعی، این نقش‌ها تغییر کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، در حوزه اقتصادی و اجتماعی، نقش‌ها دچار تغییرات عمده‌ای شده‌اند. در این سیر

اما این تسهیلگری را نداشته باشیم؛ پارادوکسی که ما در آن هستیم و این سرخوردگی که گریبان بسیاری از زنان ما را گرفته، اتفاق می‌افتد.

اگر صرفاً فضا را برای حضور زنان باز کنیم اما در مرزهای تعیین‌کننده—به معنای تعیین حدود و نه محدودسازی—از آن‌ها حمایت نکنیم، نکات ایجابی مشارکت را در نظر بگیریم و نقش هدایت و تسهیلگری را برای ایفای هم‌زمان نقش اجتماعی و خانوادگی در نظر نداشته باشیم، دچار تضاد خواهیم شد. وقتی از «الگوی سوم» یا مشارکت اجتماعی زنان با رویکردی اسلامی سخن می‌گوییم، صرفاً تولید مدیر زن نیست، بلکه معنای حکمرانی امور زنان است؛ اینکه جامعه زنان تربیون پیدا کنند و مسائلشان به درستی احصا شود؛ و حضور زنان در منصب سیاستی لازم تحقق این مهم است.

این سال‌های اخیر، بسیاری از گفتمان‌های اجتماعی بر ضرورت تحقق «الگوی سوم» تأکید داشته‌اند؛ الگویی که کرامت زنان را مدنظر دارد و تلاش می‌کند بین دو جریان افراطی و تفریطی که یکی محدودکننده زنان به نقش‌های خانوادگی و بی‌توجه به نقش اجتماعی زنان است و دیگری اصل را بر مشارکت اجتماعی گرفته و بی‌توجه به جایگاه زنان در خانواده است، توازن ایجاد کند. این الگو، زنان را به عنوان محور خانواده و هم‌زمان به‌عنوان نیرویی مؤثر در عرصه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی به رسمیت می‌شناسد. اما یکی از چالش‌های اصلی در مسیر تحقق این الگو، نبود حمایت‌های ساختاری و تسهیل‌گری لازم است. بسیاری از زنان با وجود تمایل به ایفای نقش‌های چندگانه، به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های لازم، از تحقق این تعادل بازمانده‌اند.

بنابراین باید تعداد خانم‌ها در ساخت حکمرانی بیشتر شود تا صدای زنانه شنیده شود؟

وقتی از ساخت حکمرانی صحبت می‌کنیم، منظورمان لزوماً مدیر زن نیست؛ بلکه هدف این است که زن به عنوان یک بخش فعال از جامعه، با نیازها و مطالبات خاص خود شناخته شود. این به معنای مشارکت زنان به‌عنوان اعضای جامعه در طرح مسائل است. نه صرفاً تولید مدیران زن. به نظر من، اگر مسئله زن را به درستی درک کنیم، به سوی پارادایم‌های حکمرانی مطلوب حرکت کرده‌ایم. بدین معنا که تغییر نوع مواجهه حاکمیت با زنان و مسائل مرتبط با آن، نشانه‌ای از رشد و بالندگی حاکمیت خواهد بود.

به نظر شما برای اینکه مسائل زنان به درستی فهم شود، اتفاقاً حضور و افزایش تعداد زنان در مناصب مدیریتی و سیاستگذاری مسئله ما نمی‌شود؟

قطعاً موضوع مشارکت زنان در امور مدیریتی اهمیت بسیاری خواهد داشت، اما این مسأله در قالب یک گزاره در ذیل اصل کلی‌تر و روح حاکم بر تعامل میان زنان و حاکمیت قرار می‌گیرد. این تعامل باید به‌گونه‌ای شکل بگیرد که هم ندغده‌های نظام اسلامی به رسمیت شناخته شود و هم مسائل زنان اهمیت و اصالت پیدا کند. در این راستا، مسأله مشارکت زنان در امور مدیریتی به‌عنوان یک جز از کل این تعامل، حل خواهد شد. البته باید توجه داشت که سایر مسائل زنان در جامعه نیز از اهمیت بالایی برخوردارند و نقش کاتالیزوری در شکل‌گیری تعامل مطلوب خواهند داشت.

با این حال، اصلاح تعامل نباید تنها به این مسأله محدود شود. در گام اول، سحاس‌سازی مدیران متخصص نسبت به مسائل زنان و اصلاح تعامل با تمام جنسیت‌ها امری ضروری و مفید خواهد بود. همچنین، باید به ظرفیت‌هایی که این تعامل را تحت تأثیر قرار می‌دهند و پیشران‌های آن توجه کرده و از آن‌ها بهره‌برداري کرد. به‌ویژه، خانواده و انعطاف‌پذیری آن در برابر تغییرات نقش‌ها و تعاملات اعضای خانواده با حکمرانی، به‌عنوان یک ظرفیت و پیشران مهم در این فرآیند شناخته خواهد شد.

اما یک نکته‌ای که ما در حکمرانی و سیاست‌گذاری داریم ایستادن بر سر الگوهای سرسخت‌خانه در مواضع به شدت منعطف و فرهنگی محور مانند خانواده است؛ الگوهای خیلی قدیمی و به روز نشده در مورد زن و خانواده داریم و مدام می‌خواهیم جامعه و خانواده را با این‌ها منطبق و هماهنگ کنیم. الگوی خانواده در کانتکس اسلامی، قواعد ثابتی دارد که نباید از هیچکدام آنها عقب‌نشست؛ اینک خانواده مشروع باید باشد، قانونی باشد، دگرچس خواه باشد، همراه با تولید نسل باید باشد، یکسری قواعد ثابت که ما را تولید نسل باید نمی‌کنیم. اما این الگوی خانواده یکسری قواعد اعتباری و منعطف و عرفی دارد که خانواده در طول تاریخ با تغییر و تحول این قواعد اعتباری، خودش را با تحولات اجتماعی وفق داده است. یکی از آن‌ها همین توزیع نقش‌های غیر زیستی و عرفی و مدل نقش‌آفرینی‌ها در جامعه و در خانواده است.

برای مثال، نوعی از نقش‌آفرینی اقتصادی زنان که امروزه رایج است، در گذشته وجود نداشته است؛ زیرا جامعه آن را نمی‌پذیرفته و مدل اجتماعی و اقتصادی خانواده برای نیازهای آن دوره پاسخگو بوده است. اما با تحولات اجتماعی، این نقش‌ها تغییر کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، در حوزه اقتصادی و اجتماعی، نقش‌ها دچار تغییرات عمده‌ای شده‌اند. در این سیر



سلیمی معتقد است: منظور از «حکمرانی زنان» صرفاً تولید مدیر زن نیست، بلکه معنای حکمرانی امور زنان است؛ اینکه جامعه زنان تربیون پیدا کنند و مسائلشان به درستی احصا شود.

حکمرانی زنان در ساخت جامعه متعادل یا جامعه زوجیت‌محور مدنظر رهبر انقلاب، نقش محوری دارد؛ اما برخلاف تصور رایج، منظور از «حکمرانی زنان» صرفاً تولید مدیر زن نیست، بلکه فراتر از آن به معنای حکمرانی امور زنان است؛ اینکه جامعه زنان تربیون پیدا کنند و مسائلشان به درستی احصا شود؛ و حضور زنان در منصب سیاستی لازم تحقق این مهم است.

این سال‌های اخیر، بسیاری از گفتمان‌های اجتماعی بر ضرورت تحقق «الگوی سوم» تأکید داشته‌اند؛ الگویی که کرامت زنان را مدنظر دارد و تلاش می‌کند بین دو جریان افراطی و تفریطی که یکی محدودکننده زنان به نقش‌های خانوادگی و بی‌توجه به نقش اجتماعی زنان است و دیگری اصل را بر مشارکت اجتماعی گرفته و بی‌توجه به جایگاه زنان در خانواده است، توازن ایجاد کند. این الگو، زنان را به عنوان محور خانواده و هم‌زمان به‌عنوان نیرویی مؤثر در عرصه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی به رسمیت می‌شناسد. اما یکی از چالش‌های اصلی در مسیر تحقق این الگو، نبود حمایت‌های ساختاری و تسهیل‌گری لازم است. بسیاری از زنان با وجود تمایل به ایفای نقش‌های چندگانه، به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های لازم، از تحقق این تعادل بازمانده‌اند.

در این میان حکمرانی زنان که به معنای به رسمیت شناختن مسائل بدنه اجتماعی زنان و مشارکت دادن آنان در فرایندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است، شاید بتواند گره از مشکلات به نظر لاینحل آنان باز کند. با چنین رویکردی می‌توان امیدوار بود که زنان، نه تنها به‌عنوان مدیر یا سیاستمدار، بلکه به‌عنوان شهروندان ذی‌نفع در مسائل عمومی، تأثیرگذار و عاملان تغییر اجتماعی، سهم بیشتری در ساخت آینده جامعه ایفا کنند.

در همین راستای گفتگویی با دکتر ناهید سلیمی پژوهشگر مسائل زنان و عضو هیأت علمی پژوهشکده زن و خانواده، به بررسی موضوع حکمرانی زنان پرداخته‌ایم. مشروح این گفتگو را در ادامه می‌خوانید.

حکمرانی زنان؛ از تصدی مناصب سیاسی تا حل چالش‌های واقعی زنان در جامعه

برخی معتقدند که «حکمرانی زنان» می‌تواند زمینه‌ساز تحولات اساسی در حوزه زنان باشد. به نظر شما، حکمرانی زنان دقیقاً به چه معناست و چه تأثیری در حل مسائل و چالش‌های زنان در جامعه دارد؛ به‌عنوان مثال.

این روزها بحث «الگوی سوم» مطرح است؛ هم محور خانواده باشند و هم در اجتماع نقش آفرینی کنند. اما در عمل، ایجاد تعادل میان این دو نقش چالش‌برانگیز است و در بسیاری از موارد، نقش خانوادگی به‌ویژه مادری، موجب محدودیت در فعالیت‌های اجتماعی و حرفه‌ای زنان می‌شود. نمونه‌ای از این چالش، گلابیه‌های مکرر دانشجویان مادر از دشواری هم‌زمانی نقش مادری و تحصیل است؛ آن‌ها سال‌هاست خواستار تسهیلاتی مانند ایجاد مهدکودک در دانشگاه‌ها هستند، اما دیدگاه همچنان بی‌پاسخ مانده است. از دیدگاه شما، حکمرانی زنان چگونه می‌تواند این تعادل را برقرار کرده و راه‌حلی برای چنین چالش‌های کاتالیزوری ارائه دهد؟

آسیبی که حوزه زنان را بخصوص در دو دهه اخیر تهدید کرده این است که هر زمان حکمرانی زنان را مطرح کردیم صرفاً در مورد مناصب سیاسی زنان صحبت کردیم؛ و جریان‌های اصلی که این مسئله را فعلاًانه پیگیری کردند، صرفاً به سمت و سوی دادن ظرفیت‌های مدیریتی و نمایندگی به زنان رفتند. درحالی که وقتی در مورد حکمرانی زنان صحبت می‌کنیم، یعنی صدا و تربیون پیدا کردن جامعه زنان و شناخت مسائل آنها؛ از در عرصه عمومی نه صرفاً این عرصه رسمی. منظور این است که زن در عرصه عمومی صاحب مسئله شود. البته حضور زنان در مناصب سیاستی لازم تحقق این مهم است. زمانی که زن در عرصه عمومی صاحب مسئله شود و در عرصه حکمرانی به رسمیت شناخته شود؛ تسهیلگری هم به‌عنوان یکی از اضرال

اصلی حکمرانی در مورد او فعال می‌شود، یعنی وقتی از زن مشارکت می‌خواهیم، باید نسبت به او موضع حمایت و تسهیلگری در ایفای نقش داشته باشیم. زنی که برایش الگوی سوم تجویز می‌شود؛ قطعاً نیازمند یکسری از حمایت‌ها است؛ حمایت خانواده، حمایت نظام اداری، حمایت نظام دانشی؛ اگر من فقط ذهن زن را با مطالباتی در مورد مشارکت اجتماعی درگیر کنم

شرابخواری کی و کجا حرام اعلام شد؟

سپهرغرب، گروه اندیشه: خدا در صفحه ۱۲۳ قرآن و در سوره مائده شرابخواری را حرام اعلام کرده و می‌فرماید: **شرابخواری، قمار و بت‌پرستی اعمال شیطان است.** پیامبر (ص) می‌فرماید: «**أهلُ القرآنِ أهلُ اللهِ وَخَاصَّةُهُ**») اهل قرآن اهل خدا و خاصان بارگاه اویند. (مجمع البیان ۱۵/۸)
خدا در صفحه ۱۲۳ قرآن شرابخواری، بت پرستی و قمار را از کارهای شیطان بیان می‌کند و می‌فرماید که از این اعمال زشت دوری کنید تا راستگار شوید. در شأن نزول این آیه به نقل از سعد بن وقاص آمده است که به مهمانی دعوت شدید و آنجا حاضران شراب نوشیدند و از حال خود خارج شدند و یکی از حاضران در حال مستی استخوان شتری را بر دماغ من کوبید آن را شکافت. ماجرا را برای پیامبر بازگو کردم و این آیه نازل شد و شراب، قمار و بت پرستی حرام اعلام شد. در حرمت شرابخواری چند آیه دیگر نازل شد و خدا بارها بر این امر تأکید کرد تا کسی نتواند بر آن شبهه ای وارد کنددر ادامه بندگان را به اطاعت از خدا و رسول توصیه می‌کند و روگرداندن از آنها را شایسته عذاب می‌داند. در شأن نزول این آیه آمده است در سال حدیبیه پیامبر(ص) احرام بست و راهی حج شد، در راه با دسته‌های شکار روبرو شدند و این آیه نازل شد و مسلمانان را از شکار در حال احرام منع کرد.

sepehrgarb.news@gmail.com



www.sepehrpress.ir

تحلیل

تمام ادیان ابراهیمی به منجی عالم باور دارند

سپهرغرب، گروه اندیشه:
به گفته عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، تمام مکاتب دینی و ایدئولوژی مادی قدیم و جدید در عالم به یک جامعه خاصی اشاره کرده‌اند و تمام ادیان به منجی اعتقاد دارند.

حسن رحیم‌پور ازغدی درباره نگاه

شرق و غرب و مکاتب دینی و غیر دینی به منجی عالم گفت: اگرچه بعضی معتقدند هیچ جامعه غیر دینی هیچ وقت وجود نداشته، اما دین به معنای ادیان ابراهیمی نه ادیان بشری و مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی و بشری، وجه مشترکی دارند و آن اینکه آن موعود چه خصوصیتی دارد؟ دقیقاً چگونه عمل خواهد کرد؟ چه وقت خواهد آمد؟ چگونه خواهد آمد؟ کجا ظهور خواهد کرد؟ دقیقاً چه کسی است؟ و چه شعارهایی خواهد داشت؟

وی با بیان اینکه تمام مکاتب دینی و ایدئولوژی مادی قدیم و جدید در شرق و غرب عالم به یک جامعه خاصی اشاره کردند، که در آینده باید تحقق پیدا کند و یا تحقق پیدا خواهد کرد، گفت: اینکه به این موعود چه کسی وعده داده، آیا خداوند وعده داده، فرستادگایان سخنگویان او وعده دادند، یا بشر متفکران و ایدئولوگ‌های بشری وعده دادند، یا پسر از روی امید به آینده به خود وعده می‌دهد، در این مورد استدلال‌های فلسفی، اخلاقی و الهی شده است.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: امروز باب مشترک گفت‌وگو بین روحانیون و معنویون، بین عدالت‌خواهان و آزادی‌خواهان و بین انقلابیون و نخبگان جهانی در سراسر جهان باز شده و آن این است که باید آینده‌ای در کار باشد و این وضع جهان قابل تأمل و توجیه نیست.

به گفته وی، سرفصل‌های مشترکی که از سوی موعودهای دینی و غیر دینی، اسلامی و غیر اسلامی، شیعی و غیر شیعی اشاره داده شده، اشاره کردند که منتظرند روزی جامعه جهانی به ارزش‌هایی نظیر برابری در برابر قانون، برابری در استفاده از امکانات عمومی زندگی، برابری در استفاده از حقوق عمومی و... برسند. همه تشنه عشق و محبت‌اند و از این همه نفرت و جنگ در جهان می‌نالند.

-
-

امام زمان (عج) در عصر غیبت ناظر بر احوال شیعیان است

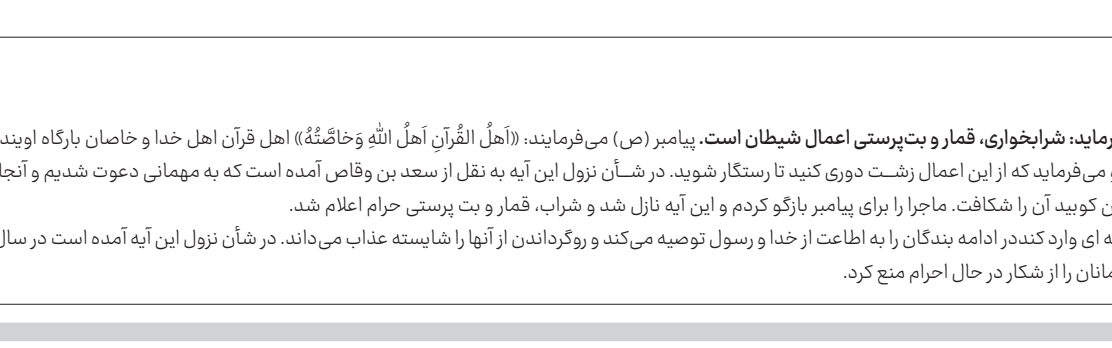
سپهرغرب، گروه اندیشه:
به گفته یک استاد دانشگاه، به تعبیر خواجه نصیرالدین طوسی، وجود حضرت ولیعصر لطف است و تصرفاتشان در عصر غیبت لطف دیگری است.

حجت‌الاسلام و المسلمین سید حسین حسینی قمی، استاد حوزه و دانشگاه درباره فرآزهای نهج‌البلاغه و وجود مظهر حضرت ولیعصر (عج) گفت: امیرالمومنین (ع) در پنخت خطبه و دو حکمت در نهج‌البلاغه مطالب فراوانی دارند. خطبه‌های ۱۳۸، ۱۵۰، ۱۸۲، ۱۸۷ و ۱۹۰ و حکمت ۱۴۷ و ۲۰۹ به وجود امام زمان (عج) تصریح کردند. در ذیل بعضی از خطبه‌ها مثل خطبه ۱۵۰ نویسندگانی از اهل سنت مثل ابن ابی الحدید تصریح می‌کند این خطبه در وصف حضرت مهدی (عج) است.

حجت‌الاسلام حسینی قمی با ذکر حکمت ۱۴۷ توضیح داد: کمیل می‌گوید امیرالمومنین (ع) دست مرا گرفتند و مرا به صحرا بردند. وقتی حضرت به صحرا و بیابان رسیدند، ابتدا آهی کشیدند و فرمودند: آنچه به تو می‌گویم، بخاطر بسیار... [..] زمین نمی‌تواند از حجت الهی خالی بماند. اصولاً خداوند متعال اولین انسانی که آفرید، حضرت آدم بود که ایشان پیغمبر بودند. حال مردم با این حجت الهی را می‌بینند، یا از دیدشان پنهان است.

این استاد حوزه درباره خطبه ۱۵۰ نهج‌البلاغه بیان کرد: این ابی الحدید از نویسندگان اهل سنت تصریح کرد که حجت پنهان خدا جزء با امام زمان (عج) با کس دیگری تطبیق ندارد. حضرت می‌فرماید: امامی از من قیام می‌کند، در حالی که در عصر غیبت تصرفاتی دارد، که از دیدگان مردم مخفی است. وقتی این عالم اهل سنت به شرح امیرالمومنین (ع) می‌رسد می‌گوید منظور ایشان حضرت مهدی (عج) است.

وی در پاسخ به برکات امام زمان (عج) گفت: امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: امام در دوران غیبت خود تصرف و اشراف دارند. به تعبیر خواجه نصیرالدین طوسی، وجود حضرت ولیعصر لطف است و تصرفاتشان در عصر غیبت لطف دیگری است. عزیزان فکر نکنید امام زمان در عصر غیبت در گوشه‌ای نشستند، به هیچ چیز کار ندارند و فقط منتظر فرمان ظهور از سوی خداوند هستند. ما چنین امامی از نمی‌شناسیم. ما به چنین امامی اعتقاد نداریم. امام زمان (عج) در عصر غیبت ناظر بر احوال شیعیان است.



امام موسی صدر در مقابل طعنه‌ها و فشارها مقاومت کرد تا گفتگو بماند

ما پراکند، بیش از روحانیتی بود که در مدت شش سال ما به این‌ها داده‌ایم. امیدوارم که حمل بر خودنمایی نفرمایید.»

مسئله‌ای که امام موسی صدر از همان ابتدای دوران طلبگی‌اش در قم و همان دانشجویی‌اش در دانشگاه تهران و تعاملی که با روشنفکران، علما و... داشت رعایت می‌کرد، آداب گفتگو و امری حیاتی به نام «اعتماد و امانت داری») بود. همین سیره او موجب شد که روحانیون مسیحی اینقدر به او اعتماد داشته باشند که او را سخنران مجالس دینی و آئینی خود کنند، چرا که در طول سال‌ها تعامل با سید موسی، دریافت‌ه بودند که او به تعالیم اسلام که از مسلمانان می‌خواهد با پیروان ادیان الهی بر سر مشترکات به گفتگو و تعامل بپردازند. «تعالوا الى کلمة سواء بیننا و بینکم») همین امر بود که در سی امین روز از بهمن ماه ۱۳۵۳، امام موسی صدر در اقدامی بی سابقه، خطبه‌های عید موعظه روزه را در حضور شخصیت‌های بلندپایه مسیحی لبنان در کلیسای کبوشیین بیروت ایراد نمود.

امام موسی صدر از جانب کسانی یا توانایی او را نداشتند و یا رویکردش را موجب آن می‌دانستند که توجه از آنان به سویی دیگر کشیده شود، بسیار تحت فشار بود تا از این رویکرد تعاملی دست بردارد.

مرحوم حجت الاسلام خسروشاهی، امام صدر را یکی از پیشگامان بحث «تقریب بین مذاهب اسلامی» در روزگار ما می‌دانست که با عضویت در «مجمع البحوث الاسلامی» در قاهره و نیز با حضور فعال و مؤثر در تمامی کنفرانس‌های اسلامی، در ایجاد تقریب و وحدت میان مسلمین فعالیت بسیاری داشت.

ایشان همچنین امام صدر را یکی از معماران و بلکه پیشتاز بحث «وحدت، تعالیتی و گفتگوی ادیان» می‌دانست، که آن هم در روزگاری که رفتن به کلیسا و سخنرانی کردن زیر صلیب حضرت مسیح، بر روح‌نویسان و علما یک اقدام ضی ارزش بود. یکی از دوستان امام صدر در این باره نقل می‌کند: «مسائلی که پیرامون آن زیاد با آقای صدر بحث کردم، گفتگوی میان ادیان و رابطه اسلام و مسیحیت بود. از ایشان سوال می‌کردم که شما چرا به کلیسا می‌روید و برای مسیحیان سخنرانی می‌کنید؟ می‌گفتم که شما وقتی چنان مورد اتهام قرار گرفته‌اید، که حتی گفته می‌شود با مسیحی‌ها و کتائب هستتید و شیعیان را رها کرده‌اید، چرا این رویه را ادامه می‌دهید؟ خوب یادم هست

دعا مغز عبادت است

حسین عبدالهی، کارشناس مذهبی در پاسخ به این سوال که ما باید چگونه از دعا برای رشد و تعالی خودمان استفاده کنیم؟ گفت: آنقدر دعا مهم است، که در روایات ائمه معصومین (ع) آمده که دعا مغز عبادت است. آنقدر دعا مهم است، که خداوند متعال دستور می‌دهد دعا بکنید. آنقدر دعا

سپهرغرب، گروه اندیشه:
به گفته حجت‌الاسلام عبدالهی، آنقدر دعا مهم است، که در روایات ائمه معصومین (ع) آمده که دعا مغز عبادت است.

حجت‌الاسلام و المسلمین

کردن اهمیت دارد، که امیرالمومنین (ع) در فراز سی‌ویکم نهج‌البلاغه به درخواست از خدا اختصاص می‌دهد و به امام مجتبی (ع) می‌فرماید که دعا کن و با خدا مرتبط شو.

بالته ما باید اهل ارادت‌ورزی باشیم. حجت‌الاسلام عبدالهی با بیان اینکه دعا یک جلسه تغییر است، افزود، دعا جلسه‌ای است، تا ما مسیر زندگی‌مان را تغییر بدهیم. دعا سکویی برای تصمیمات بزرگ، عزم و اراده است. ما با دعا به خدای خودمان می‌گوییم که بنده‌ای شده‌ایم، که در مسیر تغییر قرار

گرفتیم و از آن‌تی که هستیم، فاصله گرفتیم. بعضی وقت‌ها سمت‌وسوی جلسه دعا به سمت خواهش‌های متعارف (نیازهای مادی) نمی‌رود. گاهی امام می‌خواهد در جلسات دعا به خدا عرض کند که خدا این می‌خواهم آدم دیگری بشوم. خدایا من از آنچه بوم خسته شدم.

به گفته این کارشناس مذهبی، دعا ابوحضره ثمالی می‌خوانیم خدایا من می‌خواهم با تو مناجات کنم، وقتی من می‌خواهم کار خیری انجام بدهم،

است. ما واقعاً در این زمینه‌ها کم‌کاریم؛ واقعاً کم‌کاری داریم.»

این مأموریت بزرگ، بر دوش همه‌ی ماست. امیدوارم که این رویداد، نقطه‌ی عطفی در گسترش و تعمیق جریان تدبیر در قرآن و اثرگذاری بیشتر آن در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی باشد. از خدای متعال توفیق روزافزون شما عزیزان را در خدمت به قرآن کریم مستلث دارم.

یادآور می‌شود، اولین رویداد ملی هم‌افزایی کنشگران تدبیر در قرآن با عنوان "صاد" با هدف شبکه‌سازی، مشارکت و توسعه فعالیت‌های

پیرامون موضوع تدبیر در قرآن کریم طی روزهای ۲ و ۳ اسفندماه برگزار می‌شود. این رویداد ملی با حضور و سخنرانی اساتید نمونه کشور همراه با ارائه طرح‌های برتر و نوآورانه تدبیری و برگزاری نشست‌های تخصصی از سوی پژوهشگران، مربیان و کنشگران عرصه تدبیر در قرآن طی روزهای ۲ و ۳ اسفندماه ۱۴۰۳ در تهران اجرا خواهد شد. این برنامه کشوری با دعوت از تمامی کنشگران حوزه تدبیر در قرآن کریم، از سوی دبیرخانه ستاد ملی راهبری تدبیر در قرآن کریم، مشارکت دارند.

مریم را تلاوت کردند، نجاشی چنان تحت تأثیر دین اسلام قرار گرفت، که آنان را پناه داد و اسباب نجات آنها فراهم آمد. چرا ما امروز از آن تجربه ارزنده استفاده نکنیم و آن شیوه تبلیغی را در پیش نگیریم؟ در حالی‌که زیباترین حقایق پیرامون حضرت مریم و رسالت حضرت عیسی (ع) را اساساً قرآن مطرح کرده است و آن قدری که قرآن در وصف این بزرگواران مطلب دارد، خود آئین مسیحیت ندارد!». ایشان می‌گفتند که چرا ما نباید لاقفل این بخش از قرآن را به مسیحیان معرفی کنیم. «امام موسی صدر در سخنرانی موعظه روزه می‌گوید: «(برای انسان گرد آمده‌ایم، که ادیان از برای اوست، ادیان یکی بودند و هریک ظهور دیگری را بشارت می‌داد و دیگری را تصدیق می‌کرد. به این ادیان، خداوند مردم را از تاریکی‌ها به سوی نور برکشید و آنان را از اختلافات پراکننده و تباهنگنندهٔ بسیار نجات داد و به ایشان پیمودن راه صلح و مسالمت آموخت.ادیان یکی بودند، زیرادر خدمتِ هدفی واحد بودند، دعوت به خدا و خدمت به انسان. از اختلافات پراکننده و تباهنگنندهٔ بسیار نجات داد و به ایشان پیمودن راه صلح و مسالمت آموخت.ادیان یکی بودند، زیرادر خدمتِ هدفی واحد بودند، دعوت به خدا و خدمت به انسان. از اختلافات پراکننده و تباهنگنندهٔ بسیار نجات داد و به ایشان پیمودن راه صلح و مسالمت آموخت.ادیان یکی بودند، زیرادر خدمتِ هدفی واحد بودند، دعوت به خدا و خدمت به انسان. از اختلافات پراکننده و تباهنگنندهٔ بسیار نجات داد و به ایشان پیمودن راه صلح و مسالمت آموخت.ادیان یکی بودند، زیرادر خدمتِ هدفی واحد بودند، دعوت به خدا و خدمت به انسان.

🗨 **امام موسی صدر سیمایی آرمانی و زیبا و بزرگوار از یک عالم دینی**

می‌توان قضاوت جرج جرداق به عنوان یک

حالت کسالت روحی پیدا می‌کنم. چرا من موقع نماز چرتم می‌گیرد؟ چرا وقتی نماز و دعا می‌خوانم، حال خوشی به من دست نمی‌دهد؟ اینچاسم که امام با دعای ابوحمره ثمالی آسنتین تجلسیل بالا می‌زند. از یکی از بزرگان پرسیدند آن دعای ابوحمرهٔ ثمالی که شما در دل شب می‌خوانید، خواندنش خیلی طول کشید. شما که به عربی مسلط‌اید. آن فرد گفت من دعا را قرائت نمی‌کنم! من دعا را مطالعه می‌کنم. من می‌توانم نکته از دل دعا بیرون بکشم.

تحول در نظام فرهنگی اگر با فهم عمیق قرآن نباشد، منحرف می‌شود

فرهنگی نظام اسلامی ایفا کنند. وی در ادامه این پیام آورده است: رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: «مسئله‌ی قرآن و مرجعیت قرآن و رجوع به قرآن و استفهام از قرآن در مسائل گوناگون فکری و عملی و اجتماعی و سیاسی و حکومتی و مانند اینها، خیلی چیز مهمی





مراستنی کنید

شنبه ۴ اسفندماه ۱۴۰۳
سال سیزدهم - شماره ۳۰۷۱



حدیث

بیاورم (ص)

قِلبَةُ طَلبِ الْجَوَائِعِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْإِحْصَانُ وَ كَثْرَةُ الْجَوَائِعِ إِلَى النَّاسِ مِذْلَةٌ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاجِزُ: کِم

خواهش کردن از مردم، بی نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است.

www.sepehrpress.ir

@sepehrgharb

Email: sepehrgharb.news@gmail.com

sepehrgharb

ایران و جهان

محکم در مقابل دشمنان ایستاده‌ایم

سپه‌رغرب، گروه ایران و جهان: فرمانده کل سپاه با بیان اینکه اگر فرماندهان سپاه در میدان نبرد نمی‌ترسند، به خاطر خانواده‌های ثابت قدم آنهاست، اظهار داشت: ما هرگز از دشمن ترسیده‌ایم و محکم در مقابل دشمنان ایستاده‌ایم.



سردار سلاطی

سردار سرلشکر حسین سلامی فرمانده کل سپاه در همایش «فاتحان بی‌نشان» که روز پنج‌شنبه در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع) برگزار شد، طی سخنانی اظهار داشت: استقامت، صبر و عزت، از ویژگی‌های خانواده‌های پاسداران است، این خانواده‌ها یک الگوی تمام عیار از زندگی، اخلاق و منش قاطمی را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. وی افزود: آرامش مردم عزیزمان در حالیکه ما در قلب خطر هستیم، بزرگترین ارزش و موهبت است، چشم‌های خانواده‌های پاسداران همیشه منتظر است و قلب‌هایشان همواره منتظر رخدادی است.



فرمانده کل سپاه در ادامه سخنانش تصریح کرد: امروز ما با بزرگترین قدرتهای جهان پنجه در پنجه‌ایم و این نبرد را فقط قلب‌های مومن مستحکم می‌تواند اداره کند، خانواده‌های پاسداران قلب‌هایی سرشار از روح بردباری و ایثارگری دارند و تجلیل و تکریم این خانواده‌ها حائز اهمیت خواهد بود.

سرلشکر سلامی ادامه داد: خانواده‌های پاسداران در میانه میدان نبرد هستند، ما مسیر سختی را پیموده‌ایم، اما ندیده‌ایم که خانواده‌های پاسداران در اراده‌شان تغییری ایجاد شود.

فرمانده کل سپاه در پایان با بیان اینکه اگر فرماندهان سپاه در میدان نبرد نمی‌ترسند، به خاطر خانواده‌های ثابت قدم آنهاست، اظهار داشت: ما هرگز از دشمن ترسیده‌ایم و محکم در مقابل دشمنان ایستاده‌ایم. من هرگز ندیده‌ام پاسداران در مقابل دشمن پشت کنند یا کوتاه بیایند یا بشکندند و این خصوصیات حافظان حدود الهی هستند.

زمستان سخت بازنشستگان بریتانیایی

سپه‌رغرب، گروه ایران و جهان: شیوه برخورد دولت انگلیس با سالمندان و بازنشستگان این کشور به گونه‌ای است که بسیاری بر این باورند که مقامات لندن همچون دوران همه‌گیری کرونا، سعی در کاهش شمار مستمری‌بگیران



زمستان سخت

بریتانیایی دارند آن هم به روشی غیرانسانی!

طبق گزارش روزنامه بریتانیایی دیلی اکسپرس، ۹ میلیون بازنشسته در کشور انگلیس ماه گذشته میلادی پس از کاهش پرداخت‌های سوخت زمستانی از سوی حزب حزب حاکم (حزب کارگر) در خانه‌هاشان لرزیدند.

آمارهای جدید نشان می‌دهد که طی ماه ژانویه یک نفر از هر چهار نفر بازنشسته بریتانیایی در خانه‌های سرد و ناراحت‌کننده زندگی می‌کردند.

خبریه (Age UK) یک درخواست با ۶۵۰،۰۰۰ امضا به دولت انگلیس تحویل خواهد داد و خواستار اقداماتی است تا اطمینان حاصل شود که دیگر هرگز چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد.

کارولین آبرهامز، مدیر (Age UK)، می‌گوید: "ما نمی‌توانیم و نباید بار دیگر در زمستان آینده این تجربه را تکرار کنیم." او تأکید کرد: "این اولین ژانویه‌ای است که دولت تصمیم به کاهش کمک مالی مربوط به پرداخت سوخت زمستانی گرفته و این یک #رسوایی ملی است."

بسیاری از افراد مسن می‌گویند که در خانه‌های سرد روزگار سپری می‌کنند، برخی، بیشتر وقت‌ها یا برخی دیگر هم به طور مدام این شرایط را دارند." وضعیت افرادی که درآمد کمتری دارند حتی بدتر است، به طوری که یک نفر از هر سه نفر می‌گوید خانه‌یشان بیشتر یا تمام وقت سرد است.

مور اخبار شبکه سلطنتی بی‌بی‌سی فارسی که با پول مالیات‌دهندگان بریتانیایی اداره می‌شود نشان می‌دهد، چطور این شبکه حکومتی بی‌توجه به مشکلات بازنشستگان انگلیسی، در حال سیاه‌نمایی وضعیت بازنشسته‌های ایرانی است.

آخرین راه حل حامیان FATF هم رد شد



کشور دریافت‌کننده معمولاً پیش‌زمینه‌هایی از اطلاعات دارد و اگر خلأ یا تناقضی در داده‌ها ببیند، از کشور مبدأ درخواست اطلاعات بیشتر می‌کند. این فرایند تقاطع‌گیری اطلاعات تا زمانی ادامه می‌یابد که صحت اطلاعات تأیید شود. بنابراین FATF مستقیماً نقشی در ارزیابی صحت اطلاعات مالی کشورها ندارد.

علیه تأمین مالی غیرقانونی قلمداد کرده است.)

او همچنین می‌گوید که «همکاران خارجی ما گام‌هایی را برای رسیدگی به این مسئله در قلمروی خود برداشته‌اند، در حالی که عدم شفافیت در آمریکا جنایتکاران را جذب می‌کند که از نظام مالی آمریکا سوء استفاده کنند.»

این در حالی است که FATF هیچ موضع‌گیری منفی‌ای درباره آمریکا نداشته

حاصل کند کشورها داده‌های صحیح تولید می‌کنند و آن‌ها را به‌درستی به اشتراک می‌گذارند. به همین منظور، FATF سازوکارهای جمع‌آوری و به اشتراک‌گذاری اطلاعات را در هر کشور ارزیابی و در این ارزیابی هم کاملاً دقیق عمل می‌کند. FATF نیروهای ارزیاب خود را به کشورها اعزام می‌کند تا از نزدیک عملکرد آن‌ها را بررسی کنند.

گزارش‌های ارزیابی FATF درباره وضعیت هر کشور نشان می‌دهد که این نهاد تک‌تک توصیه‌های خود را در هر کشور به دقت بررسی کرده و به تفکیک امتیاز می‌دهد.

اساساً سیستم نظارتی طراحی شده توسط FATF برای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، کاملاً «نتیجه‌گرا» است و پیش‌بینی کرده که ممکن است اطلاعات غلط داده شود؛ از این رو با پیش‌بینی همه این مسیرها، برای بستن این مسیرها برنامه دارد.

بنابراین، این ادعا که FATF یک نهاد ناکارآمد است و ما می‌توانیم با ارائه داده‌های غلط، دهان FATF را بسته و کار خودمان را

بکنیم، ادعایی گزاف است.

چالش پولشویی در جهان با وجود FATF اما برخلاف ادعای حامیان FATF، وجود مراکز پولشویی در جهان نشان‌دهنده ناکارآمدی FATF نیست، بلکه نشان می‌دهد یک نهاد فنی صرف نیست و یک نهاد سیاسی است که تحت تأثیر انگیزه‌های سیاسی عمل می‌کند.

شواهد فراوانی دلالت بر سیاسی‌کاری FATF دارد. عدم واکنش جدی FATF به رعایت نشدن استانداردهای مبارزه با پولشویی در نظام مالی آمریکا بهترین شاهد در این زمینه است. به اعتراف دونتاوونو مدیر بخش جرایم مالی FBI در جلسه سنای آمریکا در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۹۸. «گروه ویژه اقدام مالی FATF، فقدان فائوس شفافیت مالکیت را به عنوان نقطه ضعف عمده در اقدامات ایالات متحده

سپه‌رغرب، گروه ایران و جهان: موافقان پیوستن به FATF معتقدند می‌توان با اطلاعات دور زدن تحریم‌ها شد، اما بررسی سازوکار FATF نشان می‌دهد که این نهاد با

اعزام ارزیاب به کشورها مانع تولید اطلاعات غلط و اشتراک‌گذاری آن می‌شود.

برخی از حامیان FATF ادعا می‌کنند که هیچ الزامی برای ارائه اطلاعات صحیح به این نهاد وجود ندارد و FATF قادر به صحت‌سنجی دقیق اطلاعات نیست.

آن‌ها استدلال می‌کنند که این نهاد کارآمد نیست، چرا که در سراسر جهان مراکز مختلف پولشویی همچنان فعال هستند. بر این اساس، آن‌ها معتقدند که نیازی نیست نگران افشای اطلاعات مربوط به دور زدن تحریم‌ها به دلیل اجرای دستورات FATF باشیم. در پاسخ به این ادعاها، توجه به چند نکته کلیدی لازم است.

نقش FATF در صحت‌سنجی اطلاعات مالی اولاً قرار نیست کشورها اطلاعات مالی خود را به FATF بدهند، بلکه اطلاعات بین کشورها مبادله می‌شود. وقتی کشوری در راستای اجرای توصیه‌های FATF اطلاعاتی را به کشور دیگری ارائه می‌دهد، مسئولیت بررسی صحت و سقم این اطلاعات بر عهده کشور دریافت‌کننده است.

کشور دریافت‌کننده معمولاً پیش‌زمینه‌هایی از اطلاعات دارد و اگر خلأ یا تناقضی در داده‌ها ببیند، از کشور مبدأ درخواست اطلاعات بیشتر می‌کند. این فرایند تقاطع‌گیری اطلاعات تا زمانی ادامه می‌یابد که صحت اطلاعات تأیید شود. بنابراین FATF مستقیماً نقشی در ارزیابی صحت اطلاعات مالی کشورها ندارد.

اما وظیفه FATF این است که اطمینان

آمریکا اختلافات را با گفت‌وگو و احترام متقابل حل کند

سپه‌رغرب، گروه ایران و جهان: چین از آمریکا خواست که برای حل تنش‌های تجاری میان دو کشور به گفت‌وگو روی آورده و «احترام متقابل» نشان دهد.

«گوو جیاکون» سخنگوی وزارت خارجه چین پنجشنبه در کنفرانسی خبری تأکید کرد، دو طرفین باید نگرانی‌های خود را از طریق گفت‌وگو و مشاوره‌های مبتنی بر احترام متقابل و برابری حل و فصل کنند. این اظهارات پس از آن مطرح شد که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا پنجشنبه حصول یک توافق تجاری جدید با چین را امکان‌پذیر دانست. این در حالی است که وی به تازگی تعرفه‌های جدیدی بر کالاهای چینی وضع کرده است.

«لی چنگ‌گانگ» نماینده چین در سازمان تجارت جهانی سه‌شنبه در «شورای عمومی» این نهاد بین‌المللی با اشاره به اعمال تعرفه ۲۵ درصدی ترامپ بر واردات فولاد و آلومینیوم به آمریکا و تعرفه‌های وی بر کالاهای چینی گفت: دنیا با مجموعه‌ای از شوک‌های تعرفه‌ای مواجه است.

وی افزود: آمریکا به طور خودسرانه و یکجانبه علیه شرکای تجاری خود از جمله چین تعرفه وضع کرده با تهدید به اعمال تعرفه کرده است که این اقدامات نقض آشکار قوانین سازمان تجارت جهانی بوده و چین قاطعانه با آنها مخالف است.

لی تأکید کرد: این شوک‌های تعرفه‌ای ابهام اقتصادی را افزایش داد، تجارت جهانی را مختل می‌کند و ریسک تورم داخلی، اختلال در بازارها و حتی رکورد جهانی را در پی دارد.

وی اظهار کرد که یکجانبه‌گرایی آمریکا نظام تجارت جهانی چندجانبه مبتنی بر قوانین را متزلزل می‌کند و «خطرات برای همه اعضای بزرگ و کوچک بالاست.»

رای دیوان عدالت اداری در ماجرای ایران خودرو به سمت کروز چرخید

سپه‌رغرب، گروه ایران و جهان: دیوان عدالت اداری با نادیده‌گرفتن نظر معاونت حقوق عامه و پیگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور و هیئت تجدیدنظر شورای رقابت، رای به واگذاری موقت ایران خودرو به کروز داد.



دیوان عدالت

دیوان عدالت اداری در حکمی دستور قرار قبولی موقت دادنامه کروز را صادر کرد و بدین ترتیب حکم هیئت تجدیدنظر شورای رقابت مبنی بر غیرقانونی بودن حضور کروز در هیئت مدیره ایران خودرو را تا بررسی نهایی متوقف کرد.

فاصله بین ابلاغ حکم هیئت تجدیدنظر شورای رقابت تا صدور حکم دیوان عدالت اداری کمتر از یک هفته است. نکته قابل توجه اینکه پس از رای هیئت تجدیدنظر شرکت کروز در گزارشی حاضر در مجمع ایران خودرو را غیرواپسته به مجموعه کروز خواند و حکم صادره را ملایطاً خواند اما حالا کروز شاکای دادنامه شده و مشخصاً رهبری شرکت‌های دیگر را برعهده گرفته است.

پیش‌تر معاون حقوق عامه و پیگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور زیر مجموعه قوه قضاییه در دو نامه جداگانه با تأیید نظر هیئت تجدیدنظر شورای رقابت دستور به برگزاری مجمع ایران خودرو بدون حضور کروز داده بود.

دیوان عدالت اداری نیز به موجب قانون زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌شود. باتوجه‌به ابهامات جدی در روند واگذاری ایران خودرو به کروز و همچنین باز بودن پرونده فساد این شرکت در محاکم قضایی نگرانی‌ها از تکرار تجربه خصوصی‌سازی ناموفق نظیر پرونده هفت‌تپه در ایران خودرو به حداکثر رسیده است.

ایران و روسیه روی ریل همکاری ترانزیتی؛ نقشه‌راه ۲۰۲۵ امضا شد

وی افزود: سومین همایش اقتصادی خزر که به میزبانی ایران برگزار شد، به طور قطع نقطه عطفی در همکاری‌های اقتصادی، تجاری و حمل و نقلی برای ایران و روسیه و سایر کشورهای حوزه خزر خواهد بود.

صادق با اشاره به این که امروز نقشه راه همکاری مشترک حمل و نقلی و ترانزیتی ۲۰۲۵ و الحاقیه مطالعات مهندسی قرارداد اجرایی پروژه راه آهن رشت-آستارا به امضا می‌رسد؛ ابراز امیدواری کرد که قرارداد اجرایی ساخت راه آهن رشت-آستارا تا پایان ماه مارس ۲۰۲۵ بعد از نهایی سازی احجام و قیمت به امضا برسد.

صادق در واکنش به صحبت‌های وزیر حمل و نقل فدراسیون روسیه که «از صدور مجوز ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری این کشور برای شروع مطالعات مهندسی پروژه ساخت و توسعه راه آهن رشت-آستارا قبل از تحویل جدول زمانبندی تملک زمین» خبر داد؛ گفت: این اقدام رئیس جمهوری روسیه باعث خرسندی است و به طور حتم این تصمیم در تسریع پروژه راه‌آهن رشت-آستارا تأثیر گذار است.

وی با اشاره به امکان انتقال بارهای روسیه به پاکستان از مسیر ایران گفت: به طور حتم برای توسعه مسیرهای ترانزیتی همه ظرفیت‌ها را به کار می‌بندیم.

صادق در ادامه بر ضرورت صدور ویزای رانندگان ناوگان جاده‌ای، تلاش مشترک برای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت دریای خزر در حوزه بار و مسافر و توسعه همکاری‌ها در



جهانی ارتقاء خواهد داد.

روز سه شنبه (۳۰ بهمن) نشست دو جانبه فرانسه صادق، وزیر راه و شهرسازی و ولادیمیر پوتین، وزیر حمل و نقل فدراسیون روسیه و هیئت همراه در محل ساختمان وزارت راه و شهرسازی برگزار شد.

رواژه راه و شهرسازی در این نشست اظهار کرد: به طور حتم دیدارهای مستمر، روند رو به رشد همکاری‌ها ما را رقم زده و این جلسات مستمر باید ادامه یابد تا هر دو کشور ایران و روسیه به اهداف خود در تکمیل کریدور شمال-جنوب دست یابند.

سپه‌رغرب، گروه ایران و جهان: تقویت همکاری ترانزیتی ایران و روسیه در تمرکز بر تکمیل کریدور بین‌المللی شمال-جنوب، می‌تواند جایگاه ژئوپلیتیکی کشور را تقویت کرده و نقش کشورها

را در معادلات قدرت منطقه‌ای و جهانی بیش از پیش ارتقا دهد.

کریدور شمال-جنوب که کشورهای شمالی را به آب‌های گرم جنوب از مسیر ایران می‌رساند، به عنوان یک مسیر مهم تجاری در سال ۲۰۰۰ میان هند، ایران و روسیه مطرح شد.

این کریدور می‌تواند هزینه و زمان عبور کالا را به ترتیب ۳۰ و ۴۰ درصد نسبت به مسیر سنتی کانال سوئز کاهش دهد.

بر اساس گزارش‌های سازمان ملل، حجم تجارت بین کشورهای عضو این کریدور در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۵۰ میلیارد دلار بوده است. پیش‌بینی می‌شود که با توسعه زیرساخت‌ها و تسهیل فرآیندهای گمرکی، این رقم تا سال ۲۰۳۰ به ۵۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد.

همکاری و مشارکت ایران و روسیه برای تکمیل کریدور شمال-جنوب نه تنها موجب افزایش قابل‌توجه مناسبات اقتصادی و تجاری میان دو کشور می‌شود، بلکه به دلیل قرار گرفتن مهم‌ترین بخش این کریدور در جغرافیای ایران، جایگاه کشورمان را به عنوان یک بازیگر کلیدی در نظم نوین منطقه‌ای و